

مناجات امیر المؤمنین (علیه السلام) در مسجد کوفه  
همراه ترجمه فارسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ** يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

الهی، من از تو امان می‌خواهم در آن روزی که نه مال سودی بخشد و نه فرزندان

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

مگر آن افرادی که در پیشگاه خدا با دل پاک و قلب سالم [و خالص از غیر او] وارد شوند

**وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ** يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که ستمگر به شدت دست خود را [از پیشانی] به دندان بگذرد

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

و بگوید: ای کاش با پیامبر راهی برقرار نموده بودم

**وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ** يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که مجرمان با چهره‌هایشان شناخته می‌شوند

فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ

آنگاه از موی پیشانی و از پایشان بگیرند [و بر آنان راه فراری نباشد]

**وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ** يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که نه پدری عهده‌دار امری از فرزندش گردد

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

و نه فرزندی چیزی را از پدرش عهده‌دار گردد

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بی‌شک و عده خداوند حق است

**وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ** يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که عذرخواهی ستمگران آنان را سودی نبخشد

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و بر ایشان دورباش زده شود، و برای آنان است منزلگاه بد

**وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ** يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که هیچ جانی، قدرت و اختیاری نسبت به دیگری ندارد

وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

و در آن روز حکم و فرمان مختص الله است

**وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ**

و از تو امان می‌طلبم در روزی که انسان از برادرش فرار می‌کند

وَأُمِّهِ وَآبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ

و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندانش نیز می‌گریزد

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

برای هرکس در آن روز گرفتاری‌ای هست که به او مجالی نمی‌دهد

**وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ**

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که جنایتکار آرزو کند که برای رهایی از عذاب آن روز، فرزندان

خود را فدا کند

وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

و هم همسر و برادرش را و هم خویشانش را که او را پناه می‌دادند

وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

و هم تمام اهل زمین را فدیه دهد تا شاید که نجات یابد!

كَلَّا إِنَّهَا لَطَى نَزَاعًا لِلشَّوَى

هرگز! همانا آتش شعله‌ور است، که جوارح را بسوزاند و پوستش را بر کند

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ**

آقای من! ای آقای من! تنها تو مولا و سروری، و من بنده‌ام

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى**

و آیا بر بنده کسی جز مولا ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ**

آقای من! ای آقای من! تنها تو صاحب اختیار و جود منی، و من در اختیار توام

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ**

و آیا بر بنده مملوک کسی جز صاحب اختیار او ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ**

آقای من! ای آقای من! عزیز و با اقتدار، تنها تویی، و من ذلیل و خوارم

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ**

و آیا بر بنده خوار، کسی جز عزیز با اقتدار ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ**

آقای من! ای آقای من! خالق و آفریننده فقط تویی، و من آفریده‌ تو

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ**

و آیا بر آفریده، کسی جز آفریننده اش ترحم کند؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ**  
 آقای من! ای آقای من! با عظمت تنها تویی، و من ناچیز هستم  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ**  
 و آیا بر بنده ناچیز کسی جز پروردگار با عظمت رحم کند؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ**  
 آقای من! ای آقای من! توانا تنها تویی، و من ناتوانم  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ**  
 و در حق ضعیفی ناتوان غیر از توانمند چه کسی ترحم کند؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ**  
 آقای من! ای آقای من! بی نیاز فقط تو هستی، و من نیازمندم  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ**  
 و آیا بر نیازمند، کسی جز بی نیاز مطلق ترحم کند؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ**  
 آقای من! ای آقای من! بخشنده فقط تویی، و من درخواست کننده از درگاه توام  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِي**  
 و آیا در حق سائل کسی جز بخشنده مطلق ترحم کند؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا الْمَيِّتُ**  
 آقای من! ای آقای من! زنده جاوید تنها تویی، و من مرده بی جانم  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ**  
 و آیا در حق مرده ای بی جان جز زنده جاوید ترحم خواهد نمود؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي**  
 آقای من! ای آقای من! فقط تو پاینده هستی و من ناپایدارم  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي**  
 و نابودشدنی را چه کسی جز وجود پاینده ترحم کند؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ**  
 آقای من! ای آقای من! جاوید و پایدار تنها تویی، و من از بین رونده  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ**  
 و آیا در حق موجودی زوال پذیر جز وجود پایدار رحم آرد؟  
**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ**  
 آقای من! ای آقای من! فقط تو روزی دهنده هستی و من روزی طلب  
**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ**

و آیا بر روزی طلبان جز روزی دهنده ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ**

آقای من! ای آقای من! سخاوتمند، تنها تویی و منم تنگ نظر

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ**

و آیا در حق شخص تنگ نظر، کسی جز سخاوتمند رحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى**

آقای من! ای آقای من! تنها عافیت بخش تویی، و من گرفتار

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي**

و آیا بر گرفتار جز عافیت بخش ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ**

آقای من! ای آقای من! فقط تو بزرگ هستی، و من کوچک و ناچیز

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ**

و آیا بر کوچک جز بزرگ رحم آورد؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ**

آقای من! ای آقای من! تنها هدایتگر تویی و من بنده گمراه

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي**

و آیا در حق بنده ای گمراه جز هدایتگر ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ**

آقای من! ای آقای من! تنها رحم کننده تویی و منم بنده بخشوده

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ**

و آیا بر قابل بخشش کسی جز بخشاینده ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُمْتَحَنُ**

آقای من! ای آقای من! پادشاه مطلق تنها تویی، و من بنده امتحان شده

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ**

و آیا بر بنده مورد امتحان جز فرمانروای عالم رحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَحَيِّرُ**

آقای من! ای آقای من! رهنما تنها تویی، و من سرگشته ام

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ**

و آیا بر سرگشته جز رهنما ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمُدْنِبُ**

آقای من! ای آقای من! تویی تنها آمرزنده و من گنه کار

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُدْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ**

و آیا بر گنه کار جز آمرزنده رحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ**

آقای من! ای آقای من! فقط تو چیره و پیروز هستی، و منم شکست خورده

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْعَالِبُ**

و آیا بر شکست خورده ناتوان جز چیره توانمند رحم آورد؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ**

آقای من! ای آقای من! تنها تو پروردگاری و من پرورش یافته توام

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ**

و آیا در حق پرورش یافته جز پروردگارش ترحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ**

آقای من! ای آقای من! بزرگ منش فقط تو هستی، و من بنده فروتن

**وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ**

و آیا بر بنده خاکسار و فروتن جز خداوند باکبریا و بزرگ منش رحم کند؟

**مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ**

آقای من! ای آقای من! با رحمت بی انتهایت بر من ترحم کن

**وَ اَرْضْ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ**

و با وجود و کرمّت از من راضی و خشنود شو

**يَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ وَ الطَّوْلِ وَ الْإِمْتِنَانِ**

ای خدای دارای احسان و بخشش، و فضل و نعمت

**بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**

به حق رحمتت، ای مهربان ترین مهربانان